

## نگاهی تکمیلی به گفت‌وگو در کلاب هاوس درباره‌ی کتاب «از گروه ستاره تا سازمان وحدت کمونیستی»

در [گفت‌وگویی](#) که نشر باران روز ۱۳ اسفند ۱۴۰۰ (۴ مارس ۲۰۲۲) در کلاب هاوس برگزار کرد، بعضی از دوستان نکته‌ها یا پرسش‌هایی را مطرح کردند که به‌علت تنگی وقت جواب داده نشد. نظر به این که توجه به این نکته‌ها و پرسش‌ها ضروری است، در این‌جا پاسخ‌هایی را ارائه می‌کنیم. درعین‌حال، در صورت دریافت پرسش‌های بیشتر از طریق نشانی ایمیل این وب‌گاه ([web.vahdat@gmail.com](mailto:web.vahdat@gmail.com))، در حد امکان پاسخ خواهیم داد.

\*\*\*\*\*

### ۱. ارتباط شاملو با سازمان وحدت کمونیستی

احمد شاملو از جمله هنرمندان و نویسندگانی بود که سال‌ها روابط بسیار نزدیک و دوستانه‌ای با شماری از رفقای سازمان وحدت کمونیستی داشت و همواره به روش‌های مختلف از تلاش‌های این سازمان در مبارزه به‌خاطر آزادی و عدالت اجتماعی پشتیبانی می‌کرد. یکی از این روش‌ها نوشته‌هایی با مشارکت او بود که طبعاً بدون ذکر نام در نشریه‌ی [رهائی](#) منتشر شده است. از این جمله است «[فراخوان برای تحقق عاجل‌ترین خواست‌های دمکراتیک](#)» که اثر نثر درخشان او در آن به چشم می‌خورد. (رهائی، شماره‌ی ۵۷، دوره‌ی دوم، ۲۷ آذر ۱۳۵۹).

رفقای سازمان در دهه‌ی ۶۰ شمسی دو بار زمانی که احتمال بروز خطر و تهاجم به شاملو وجود داشت، او را مدتی از خانه‌اش به محل‌های امن منتقل کردند.

با وجود این، نظر به بعضی از اظهارات مبهم در این‌جا و آن‌جا ضروری است گفته شود شاملو هرگز عضو سازمان نبود.

### ۲. نگاه سازمان وحدت کمونیستی به خمینی و روحانیت

یکی از دوستان در کلاب هاوس پرسشی ابهام‌انگیز درباره‌ی دیدار دو تن از اعضای جبهه‌ی ملی با خمینی در بغداد در اواخر دهه‌ی ۴۰ شمسی مطرح کرد. این دیدار به‌عنوان جبهه‌ی ملی خاورمیانه صورت گرفت و آشنایی با هواداران او نیز تحت همین عنوان بود. در پاسخ به او به مواضع گروه اتحاد کمونیستی در سال ۱۳۵۷ اشاره‌ای شد که در این‌جا تکمیل می‌شود. در کتاب «از گروه ستاره ...» شرح این مواضع آمده است و در این‌جا توضیح کوتاهی را تکرار

می‌کنیم. گروه اتحاد کمونیستی چند ماه پیش از انقلاب در آبان سال ۱۳۵۷ و زمانی که اکثریت قریب به اتفاق نیروهای ملی‌گرا و چپ درباره‌ی مواضع خمینی و روحانیت سکوت کرده بودند یا بعضاً به زیر پرچم آن‌ها رفته بودند، کتابی با عنوان «[قانون اساسی یا شمشیر چوبین مبارزه](#)» (نوشته‌ی رفیق زنده‌یاد فریدون ایل‌بیگی اصلی) منتشر کرد که بخش مهمی از آن به تحلیل مواضع واپس‌گرایانه‌ی روحانیت در انقلاب مشروطه و نیز در حرکت اسلام‌گرایان در سال ۱۳۵۷ اختصاص داشت. در پی این کتاب، نشریه‌ی [رهائی شماره‌ی ۳](#)، دوره‌ی اول، با دو مقاله در تحلیل مواضع روحانیت و خمینی و موضع‌گیری علیه آن‌ها در آذر ۱۳۵۷ منتشر شد: (۱) بحران سیاسی و اقتصادی رژیم و نقش روحانیون در گذار قدرت؛ (۲) کلریکالیسم یا مکتب اصالت روحانیون.

کتاب «[قانون اساسی یا شمشیر چوبین مبارزه](#)» و [رهائی شماره‌ی ۳](#) در وب‌گاه [آرشیو سازمان وحدت کمونیستی](#) در دسترس هستند. با وجود این، مطالبی را از آن‌ها نقل می‌کنیم.

«برخورد جناح [رادیکال خمینی](#)؛ با قانون اساسی ایران بسیار زیرکانه است. بی آن‌که هیچ‌گاه قانون اساسی را تأیید کند، رژیم را به تخطی و به تجاوز به آن محکوم می‌کند. با این‌همه، می‌دانیم که جناح [رادیکال](#) عمیقاً با قانون اساسی فعلی ایران (یا هر قانون اساسی دیگر) مخالف است. قانون اساسی «حکومت اسلامی» قرآن است. (جناح [رادیکال](#) «با قوانین عرفی هم دشمنی دارد.») [قانون اساسی یا شمشیر چوبین مبارزه](#)، ص ۵۰]

«علی‌رغم عبارت پردازی‌های به‌ظاهر [رادیکال](#) و انقلابی‌اش برای طبقه‌ی کارگر و سایر زحمتکشان - در صورتی که برنامه‌هایش امکان پیدا کنند که در سطح جامعه فعلیت یابند - آن‌چنان خطرناک خواهد بود که می‌تواند مبارزات رهایی‌بخش طبقاتی‌شان را سرکوب کند. به گمان ما پاره‌ای از مارکسیست‌ها میزان عظمت خطر را چنان که باید و شاید حس و درک نکرده‌اند. بسیاری از نیروهای دمکرات و آزادی‌خواه متوجه نیستند که ضدیت این جناح با قانون اساسی و رژیم سلطنتی نه از یک موضع انقلابی، بلکه از یک موضع فوق‌ارتجاعی است. اگر در دهه‌ی دوم شهریورماه ۱۳۵۷، این جناح، به‌فرض محال، به قدرت می‌رسید، زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها مجدداً از کمونیست‌ها پر می‌شد و صحنه‌های شلاق‌زنی به خیابان‌ها کشانده می‌شد.» [همان، ص ۴۰]

«خمینی تز اساسی خود "حکومت اسلامی" را قابل تحقق می‌داند. این تز نه صرفاً شرکت در قدرت دولتی، بلکه تصرف قدرت دولتی توسط مذهب است. این تز شرایطی را مد نظر دارد که در آن سلسله‌مراتب روحانی تبدیل به سلسله‌مراتب حاکمیت بر جامعه - دولت - شود.» [رهائی شماره‌ی ۳، دوره‌ی اول، ص ۲۸-۲۹؛ تأکید در متن اصلی].

ایت‌الله خمینی ... حتی در بحبوحه‌ی فعالیت مجاهدین مسلمان آن‌ها را تأیید نکرد... همین آیت‌الله خمینی که از تأیید حنیف‌نژادها خودداری می‌کرد... امروز از "از پشت خنجر زدن کمونیست‌ها به مسلمانان" سخن» [همان، ص ۳۷] می‌گوید.

«آیت‌الله خمینی نشان می‌دهد - و چه خوب شد که به همه نشان داد - که در حکومت اسلامی مورد نظر او چگونه حکم می‌شود. اگر این منطق آقای خمینی درست است بنابراین حکومت اسلامی او حکومتی خواهد بود که در آن گلسرخی‌ها عامل شاه و امپریالیسم تلقی می‌شوند و خونشان حلال است؛ حکومتی که در آن تره‌گل‌ها به سیاه‌چال فرستاده می‌شوند.» [همان، ص ۳۹].

«تحت شرایط احساس قدرت. هنگامی که آیت‌الله خمینی در موضع ضعف قرار داشت از حمله به کمونیست‌ها خبری نبود. به مجرد آن که اوضاع و احوال دست به دست دادند تا موقعیت او تثبیت شود، با آن که کمونیست‌ها هنوز زیر تیغ رژیم بودند، حمله به آن‌ها از جانب او آغاز شد.» [همان، ص ۳۹].

«آقای خمینی! حکومت اسلامی شاید برای عده‌ای راه رستگاری تلقی شود، ولی هیچ انسان آگاهی نیست که بهتان‌های شما را تایید کند.» [همان، ص ۴۰].

«در سراسر نوشته‌های خمینی کوششی در رد ایدئولوژیک کمونیسم به عمل نمی‌آید. اظهارات او بهتان و تهمت با الفاظ موهن است بدون آن که حتی زحمت "استدلال" به خود داده شود...» [همان، ص ۴۱].

«در یک استثنا خمینی بحث ایدئولوژیک می‌کند و اظهار می‌دارد که کسی که به منشا غیبی معتقد نیست نمی‌تواند به خاطر انسانیت کار بکند. چه خوب بود که آیت‌الله خمینی این رشته استدلال را ادامه می‌داد تا ثابت می‌شد که کسانی که به خاطر منشا غیبی و اجر آخرت کوشش می‌کنند قابل احترام‌ترند یا آن‌هایی که بدون چشم‌داشت جان فدا می‌کنند.» [همان، ص ۴۱].

«آقای خمینی، کمونیست‌ها از حمله‌ی امپریالیسم و رژیم شاه و ارتجاع جهانی نمی‌ترسند، بهتان‌های شما که جای خود دارد.» [همان، ص ۴۲].

ملاحظه می‌شود که توهمی در مورد خمینی و «انقلاب اسلامی» وجود نداشت. هنگامی که خمینی در پاریس بود اطرافیان او و عده‌ای از میلیون و چپ‌گراها از رفقای گروه ستاره/اتحاد کمونیستی می‌خواستند به دیدن او بروند. اما رفقا نه تنها امتناع کردند بلکه مطالب بالا را هم نوشتند.

### ۳. نشریه‌ی رهائی و نشریه‌های دیگر

یکی از دوستان در کلاب هاوس به‌طور گذرا اعلام کرد که سازمان وحدت کمونیستی در دهه‌ی ۶۰ شمسی فقط چهار شماره از نشریه‌ی رهائی را منتشر کرده است. این نکته حاکی از نداشتن عدم دقت و توجه به پیوست [شماره‌ی ۱](#) و فهرست کتاب‌ها، کتابچه‌ها و نشریه‌ها در پیوست [شماره‌ی ۱۰](#) کتاب «از گروه ستاره...» است. علاوه‌براین، شماره‌های مختلف سه دوره‌ی رهائی و کتاب‌ها و نشریه‌های دیگر سازمان در [وب‌گاه آرشیو سازمان وحدت کمونیستی](#) در دسترس

- هستند. فهرست نشریه‌هایی که سازمان تا سال ۱۳۶۹ منتشر کرد (بدون در نظر گرفتن نشریه‌های هواداران) از این قرار است:
- دوره‌ی نخست نشریه‌ی *رهائی* (۴ شماره): ۳ شماره از اردیبهشت تا آذر ۱۳۵۷ در خارج از کشور؛ شماره‌ی ۴ در فروردین ۱۳۵۸.
  - دوره‌ی دوم نشریه‌ی *رهائی در ایران* (۱۱۱ شماره)، از تیر ۵۸ تا بهمن ۶۰: تا شماره‌ی ۸۰ بر اساس هفتگی، از شماره‌ی ۸۱ تا ۱۰۴ مدتی سه بار در هفته و سپس دو بار در هفته، و از شماره‌ی ۱۰۵ تا ۱۱۱ به شکل گاه‌نامه.
  - دوره‌ی سوم نشریه‌ی *رهائی در ایران* (۱۸ شماره): از دی ۱۳۶۱ تا آبان ۱۳۶۸.
  - شماره ۱۱ / *اردیبهشت*، خبرنامه‌ی کارگری: از دی ۱۳۵۸ تا تیر ۱۳۶۰.
  - *رهایی زن*، نشریه‌ی انجمن *رهایی زن*: از اردیبهشت ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ۱۳۶۰